

عاملان جنایت تکان دهنده در سناریوی پدرکشی، اعتراف کردند

آتش در تابوت!



ساله، روند بررسی های قضایی را در گروگان کرد. پدر اذیت و در کنار نخاله های ساختمانی توقف کردند که در همان اطراف ریخته بود. دو برادر کمد را در حالی بیرون انداختند که در مسیر راه دو ظرف ۱۰ لیتری بنزین سوخته باشد، قاضی ویژه قتل عمد مشهد دستور بازداشت جوان ۲۷ ساله را صادر کرد و از نیروهای پلیس خواست تا بازجویی ها را به شیوه ای فنی و تخصصی ادامه دهند. در این میان ناگهان مرد جوان که نمی توانست دلیلی محکم و باورپذیر برای چگونگی سوختگی روی دست بیان کند وقتی در تنگنای سوالات ویژه قرار گرفت ناگهان به قتل پدرش اعتراف کرد و پرده از یک جنایت وحشتناک برداشت. او گفت: دیگر از آزار و اذیت های پدرم خسته شده بودیم. نمی توانستم رفتارهای پر خاشاکانه او را تحمل کنم! او مادر را خیلی اذیت می کرد و من از این موضوع بسیار رنج می کشیدم تا این که تصمیم به قتل گرفتم که برای همیشه از شر او خلاص شوم و ...

گزارش خراسان حاکی است: به دنبال اعتراضات این جوان متاهل، بلافاصله دستورات ویژه قاضی «عارفی راد» برای دستگیری برادر دیگر وی صادر شد و این گونه جوان مجرد ۲۱ ساله هم به چنگ قانون افتاد. او نیز سعی کرد داستان قتل پدرش را همان گونه بازگو کند که برادرش در اعترافات تلخ خود بر زبان رانده بود! اما هنوز قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، احتمال می دهد که زوایای پنهانی در این ماجرای وحشتناک وجود دارد که باید مورد بررسی های علمی و تخصصی قرار گیرد و همین دلیل قاضی «محمود عارفی راد» دو متهم را با صدور قرار بازداشت موقت در اختیار پلیس گذاشت تا تحقیقات بیشتری در این باره انجام شود.

بود که به جست و جوی منطقه ای خلوت پرداختند و در کنار نخاله های ساختمانی توقف کردند که در همان اطراف ریخته بود. دو برادر کمد را در حالی بیرون انداختند که در مسیر راه دو ظرف ۱۰ لیتری بنزین سوخته خریدند. آن ها با خونسردی کامل کنار کمد تابوت گونه نشستند و جسد پدر را به آتش کشیدند. آن ها آن قدر چوب ها و پیکر پدرشان را زیر و رو کردند که دیگر چیزی جز خاکستر باقی نماند.

بعد از آن بود که هر دو برادر سوار خودرو شدند و به خانه هایشان بازگشتند. مادر که روز بعد به منزل آمده بود، با این تصور که همسرش بیرون رفته است، روزی را در خانه ماند ولی هیچ خبری از شوهرش نشد. نگرانی و اضطراب او هر لحظه بیشتر می شد اما کسی از مرد میان سال اطلاعی نداشت. تا این که خبر کشف جسد سوخته ای در بیابان های انتهایی بولوار اقدسیه در روزنامه خراسان به چاپ رسید.

بعد از آن بود که یکی از بستگان مرد جوان با پلیس تماس گرفت و گم شدن مرموز مرد میان سال را اطلاع داد. به گزارش خراسان، پس از شناسایی خانواده مقتول، تحقیقات از آنان در حالی آغاز شد که قاضی «محمود عارفی راد» نظارت ویژه ای بر روند تحقیقات داشت اما ناگهان آثار سوختگی روی دست جوان ۲۷

کوچکترش وارد اتاق شد. این جوان ۲۱ ساله مجرد که در طبقه دوم منزل پدرش زندگی می کرد، با صحنه دلخراشی روبه رو شد که حکایت از یک جنایت هولناک داشت اما نگاه های حیرت انگیز و بی پاسخ پائیده ای نداشت. دو برادر که گویی نقشه جنایت را در افکار یکدیگر رقم زده بودند به گفت و گو نشستند تا راه بهتری برای از بین بردن آثار جسد پیدا کنند. به همین دلیل تا صبح منتظر ماندند چرا که



یقین داشتند مادرشان آن شب به خانه باز نمی گردد. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است: صبح روز بعد آن ها سکانس حمل جسد را در دامنه افکارشان به تصویر کشیدند. یکی از آن ها گوشی تلفن را برداشت و وارد یکی از سایت های واسطه گر شد تا کمدی چوبی را برای حمل جسد خریداری کند. طوطی نکشید که کمد را خریدند و پیکر بی جان پدرشان را درون آن گذاشتند. حالا همه چیز دونفری، کمد را درون پیکان وانت مرد جوان قرار دادند و به طرف بیابان های انتهایی بولوار اقدسیه حرکت کردند. عصر هنگام

راه افتاد. او که سعی داشت اضطراب ناشی از رفتار هایش را پنهان کند، مادرش را به خانه خاله رساند و به منزل خودش بازگشت. حالا دیگر مقدمات دسیسه وحشتناک فراهم بود. او که می دانست مادرش شب را در خانه خواهرش می ماند یک بار دیگر به مرور سناریوی قتل پرداخت و همه سکانس هایش را تک تک از خاطر گذراند! دستبند های پلاستیکی را که از قبل خریده بوده به همراه داروی بیهوشی برداشت. عقربه های ساعت از نیمه شب گذشته بود و او می دانست که پدرش حالا در یک خواب عمیق فرو رفته است. خودرو را پارک کرد و به آرامی در منزل پدرش را گشود. پدرش در خواب بود و تنها به قتل پدر می اندیشید. او حتی دوران کودکی و نوجوانی خود را نیز از یاد برده بود و بی رحمانه منتظر فرصتی می گشت تا نقشه پلیدش را به اجرا بگذارد.

روز ها یکی پس از دیگری سپری می شد و او همچنان رفت و آمدهای خانوادگی را زیر نظر داشت تا این که یک روز تعطیل زمان را برای اجرای این نقشه هولناک مناسب دید. به گزارش اختصاصی خراسان، مهر ماه به نیمه نرسیده بود که مادر جوان ۲۷ ساله با او تماس گرفت و گفت: قصد دارد به خانه خواهرش برود تا برای یختن غذای نذری به او کمک کند!

مرد جوان که خود متاهل بود و در نزدیکی منزل پدرش در منطقه الهیه مشهد زندگی می کرد، بی درنگ سوار وانت پیکان مدل پایین شد و به طرف خانه دو طبقه پدرش به می بست. پسر جوان داروی بیهوشی را روی دستمال ریخت و آن را مقابل دهان و بینی پدر گرفت. وقتی فهمید که او به کلی بیهوش شد به داخل آشپزخانه رفت. تشت پلاستیکی را پر از آب کرد و به اتاق بازگشت. مرد جوان بی رحمانه سر پدرش را درون آب تشت فشار داد تا این که دیگر آخرین نفس های او به کینه عمیق فرزند گره خورد و پیکر بی جانش روی زمین افتاد. جوان ۲۷ ساله بلافاصله دستبند های پلاستیکی را بیرون کشید و دست های پدر را در پشت سر بست و سپس یکی از آن ها را به پای های وی حلقه زد. در کشاکش آماده کردن جسد برای انتقال به بیرون از خانه بود که ناگهان برادر

سجاد پور - مدت ها بود برای کشتن پدرش نقشه می کشید. دسیسه های گوناگونی را طرح می کرد تا پس از قتل، هیچ آثاری به جا نگذارد!

حدود یک ماه قبل بود که راهی تهران شد تا اوضاع اشتغال را در پایتخت کشور بررسی کند و اگر شرایط مناسب بود از این بیکاری مرموز نجات یابد اما در این میان همچنان در اندیشه تهیه و تدارک لوازم «جنایت» بود. در یکی از سکانس های این سناریوی وحشتناک، تصمیم بر آن گرفت تا پدرش را ابتدا بیهوش کند به همین دلیل مقداری داروی بیهوشی از تهران خرید و با خود به مشهد آورد. یک بار دیگر نقشه شوم خود را از ذهن گذراند! و همه قطعات پازل را کنار هم چید. نقشه کامل بود و او هیچ گونه عذاب وجدانی را به دل راه نمی داد چرا که ادعا می کرد پدرش به خاطر مصرف شیشه (مواد مخدر صنعتی) مادرش را اذیت می کند از این وضعیت خانوادگی به شدت آزرده خاطر بود و تنها به قتل پدر می اندیشید. او حتی دوران کودکی و نوجوانی خود را نیز از یاد برده بود و بی رحمانه منتظر فرصتی می گشت تا نقشه پلیدش را به اجرا بگذارد.

روز ها یکی پس از دیگری سپری می شد و او همچنان رفت و آمدهای خانوادگی را زیر نظر داشت تا این که یک روز تعطیل زمان را برای اجرای این نقشه هولناک مناسب دید. به گزارش اختصاصی خراسان، مهر ماه به نیمه نرسیده بود که مادر جوان ۲۷ ساله با او تماس گرفت و گفت: قصد دارد به خانه خواهرش برود تا برای یختن غذای نذری به او کمک کند!

مرد جوان که خود متاهل بود و در نزدیکی منزل پدرش در منطقه الهیه مشهد زندگی می کرد، بی درنگ سوار وانت پیکان مدل پایین شد و به طرف خانه دو طبقه پدرش به

کوتاه از حوادث

***شبکه خبر/** همه مصدومان حادثه ریزش دیوار مدرسه علی آباد کنول از بیمارستان مرخص شدند. در رابطه با ریزش دیوار مدرسه، ۲ نفر بازداشت شده اند.

***فارس/** سردار لطفی رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری متهمی خبر داد که با اجاره یک روزه انبار ها از عمده فروشان مواد غذایی کلاهبرداری می کرد.

***باشگاه خبرنگاران جوان/** سرهنگ عبدالوهاب حسنوندر رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ از دستگیری متهمی که در فضای مجازی گل و ماریجوانا می فروخت، خبر داد و گفت: در بازرسی از مخفیگاه متهم بیش از ۵۰۰ گرم گل و ماریجوانا کشف شد.

***میزان/** موقوفه ای رئیس پلیس پیشگیری تهران از دستگیری زورگیران حرفه ای در غرب تهران خبر داد و گفت: مأموران کلانتری در بررسی های بیشتر از متهم ۵ دستگاه گوشی سرقتی کشف کردند.

***ایسنا/** سرهنگ رازقی معاون عملیات پلیس

مصدومیت ۵ تن در انفجار آب گرمکن مهدکودک

سرپرست مرکز اورژانس تهران از مصدومیت چهار کودک و یک خانم در پی انفجار آب گرمکن در مهد کودک خبر داد. دکتر یحیی صالح طبری در گفت و گو با ایسنا در باره جزئیات این حادثه افزود: ساعت ۸:۴۶ دیروز یک مورد حادثه انفجار آب گرمکن در مهد کودک به سامانه ۱۱۵ اورژانس تهران اطلاع داده شد که بلافاصله پس از آن سه دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شدند. وی با بیان این که این مهد کودک در خیابان فرجام غربی قرار دارد، ادامه داد: تکنیسین های اورژانس با حضور در محل بلافاصله وضعیت افراد حاضر در محل را بررسی کردند تا به مصدومان این حادثه رسیدگی کنند. سرپرست مرکز اورژانس تهران گفت: در این حادثه چهار کودک و یک خانم ۲۱ ساله دچار مصدومیت شدند که اقدامات اولیه برای آن ها انجام شد و به مرکز درمانی منتقل شدند. وی، حال عمومی مصدومان این حادثه را مساعد اعلام کرد.

۱۵ مصدوم در حادثه حمله با چاقو در متروی توکیو

رسانه های ژاپن از حمله مردی با چاقو به تعدادی مسافر مترو در شهر توکیو خبر دادند. به گزارش ایسنا، گزارش ها حاکی از آن است که این مرد با چاقو به مسافران مترو حمله کرد که در نتیجه این اقدام دست کم ۱۵ تن مجروح شدند. همچنین طبق اعلام رسانه ها،

پیرزن جیب بر دستگیر شد

رئیس پایگاه دهم پلیس آگاهی تهران از دستگیری زن ۶۵ ساله ای خبر داد که در بهشت زهرا جیب بری می کرد. به گزارش مهر، سرهنگ کارآگاه وحید ذاکری افزود: با وقوع چند فقره جیب بری مشابه در بهشت زهرا بررسی موضوع در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. وی با اشاره به این که باجمع پرورنده مشخص شد که سرقت ها در محدوده غسلخانه و قطعات جدید بهشت زهرا اتفاق افتاده است، افزود: گشت زنی های هدفمند آغاز و کارآگاهان موفق شدند پیرزنی ۶۵ ساله را هنگام جیب بری دستگیر کنند. رئیس پایگاه دهم پلیس آگاهی تهران ابراز کرد: متهم پس از انتقال به پایگاه دهم این پلیس به ۴۰ فقره سرقت در بهشت زهرا با توجه به ازحام جمعیت اعتراف کرد. این مقام انتظامی افزود: تحقیقات پلیسی برای کشف اموال مسروقه و شناسایی مالخران ادامه دارد و متهم برای اخذ دستور قضایی به دادسرا معرفی شد.

این مرد پس از آن که اقدام به روشن کردن آتش داخل قطار کرده توسط پلیس توکیو دستگیر شده است. هنوز مشخص نیست چه تعداد از این افراد به دلیل ضربات چاقو، آتش سوزی یا هنگام قرار از محل حادثه، مصدوم شده اند. به گزارش ایسنا به نقل از ژاپن تایمز، این حادثه ساعت ۲۰ دیروز به وقت محلی و دریکی از ایستگاه های متروی توکیو اتفاق افتاده است.

در امتداد تاریکی

دختری در مرداب سیاه!

هیچ گاه تصور نمی کردم در این سن و سال و با تحصیلات عالیه، توسط مردی متاهل اغفال شوم و در مرداب کثیف و سیاهی بیفتم که هر چه دست و پا می زنم انگار بیشتر غرق می شوم و نمی دانم چگونه خودم را نجات دهم...

به گزارش اختصاصی خراسان، دختر ۲۸ ساله در حالی که اشک حسرت و ندامت از چشمانش سرازیر بوده به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شقای مشهد گفت من در خانواده ای متولد شدم و رشد کردم که از لحاظ موقعیت اجتماعی، مالی و فرهنگی در وضعیت متوسطی قرار داشتیم. پدرم مردی پر خاشاک و متعصب بود و رفتارهای مراهب شدت کنترل می کرد به گونه ای که من همواره از کمبود عاطفه و محبت رنج می بردم اما خودم را بار درس و مدرسه سرگرم کردم و هیچ گاه با هیچ پسری ارتباط نامتعارف نداشتم پس از کسب مدرک کارشناسی ارشد در یک شرکت خصوصی مشغول به کار شدم و روزهای آرامی را می گذراندم تا این که یک روز از سر کنج کاوی وارد یکی از سایت های هسریابی شدم و در آن جابا پسری آشنا شدم که خود را همچون من دارای تحصیلات عالیه معرفی می کرد از تباطا تلفنی من و کاوه در حالی ادامه یافت که مدتی بعد به اصرار او یکدیگر را در کافی شاپ ملاقات کردیم کاوه مدعی بود عاشقم شده و قصد ازدواج با مرا دارد پس از ملاقات حضوری با کاوه من نیز به او علاقه مند شدم و هر چه می گذشت و ابستگی ام به او بیشتر می شد تا این که کاوه این حقیقت را افشا کرد که متاهل است و دو فرزند دارد.

او گفت به من علاقه مند است و همسرش هیچ مشکلی ندارد تا مرا به عقد موقت خودش در آورد با شنیدن این حرف ها تصمیم به جدایی گرفتم اما او با گریه و زاری التماس می کرد که طاقتم این فراق را ندارم او گفت ما شاید نتوانیم با هم ازدواج کنیم اما می توانیم دوستان خوبی برای هم باقی بمانیم کاوه گفت تو می توانی صمیمی ترین دوست همسرم باشی! خلاصه مدتی بعد زنی با من تماس گرفت و خود را همسر کاوه معرفی کرد او گفت می خواهد با من رابطه دوستانه ای داشته باشد و من را به منزلش دعوت کرد من به شرطی پذیرفتم که به خانه اش بروم که کاوه آن جا حضور نداشته باشد همسر کاوه نیز قول داد که هیچ مردی در منزلشان حضور نداشته باشد من نیز هدیه ای تهیه کردم و به آدرس اعلامی از سوی همسر کاوه رفتم اما وقتی وار دپارتمان شدم در کمال ناباوری کاوه را آن جا دیدم ساعتی بعد وقتی نوشیدنی را که همسر کاوه برایم آورده بود، خوردم از حال رفتم و ... بعد از آن ماجرا کاوه با تهدید لفظی و پیاپی کاوه باز هم مرا به آن خانه شوم کشاند و از من در حالی سوء استفاده کرد که آن زن جوان هم در خانه حضور داشت. از طرفی کاوه تلفن همراه من را هک کرده و به تمام عکس ها، شماره تماس ها و اطلاعات شخصی ام دسترسی پیدا کرده است او مدام من را تهدید می کند که اگر به خواسته های شیطانی اش تن ندهم عکس های شخصی ام را منتشر می کند و آبرویم را نزد خانواده ام خواهد برد از سوی دیگر او با سوء استفاده از شماره تلفن های داخل گوشی ام، با تعدادی از دوستانم ارتباط برقرار کرده است و سعی در اغفال آنان نیز دارد نمی دانم چگونه از این منجلاب رهایی پیدا کنم بنابراین به کلانتری امدم. به گزارش اختصاصی خراسان، با راهنمایی و تدابیر سرگرد امارلو (رئیس کلانتری شفا) دختر جوان و پدرش در دایره اجتماعی کلانتری حضور یافتند و طی جلسه ای مشترک با رئیس دایره اطلاعات، مشکلات دختر جوان ریشه یابی شد و مورد تجزیه و تحلیل روان شناختی و سپس حقوقی و قضایی قرار گرفت و چگونگی انجام اقدامات قانونی پیش رو بررسی شد و در نهایت با شکایت دختر جوان از کاوه، دستگیری وی در دستور کار مأموران دایره اطلاعات کلانتری قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



مجتمع عظیم باغی مسکونی سپهر

پنجره ای رو به پیشرفت با هلدینگ سپهر کود رضوان

آغاز فروش نقد و اقساطی ۳۶ ماهه

قطعات متعاقباً اعلام خواهد شد

اول جاده شانديز، درخت بيد، خيابان ياس ۷۸۴ ۰۹۱۵۶۹۰۰